

رئیس پیشین مرکز مطالعات «آمریکایی اعراب» در دانشگاه «میشیگان»:

راه‌حل استعمارزدایی، مقابله با انحصارگرایی است



نوژن اعتراضالسلطنه

در داستان‌های مذهبی آمده است که **جالوت** پهلوان قدرتمند فلسطینی بوده که در جریان جنگ فلسطینیان با بنی‌اسرائیل به دست داوود نوجوان به قتل رسید. داوود وقتی ندای مبارزطلبی جالوت را شنید، آماده جنگ تن‌به‌تن با او بدون مشمشیر شد. از همین‌رو با استهزای جالوت مواجه شد اما در نهایت با ضربه فلاخن داوود به پیشانی جالوت، او کشته شد تا همگان بدانند خدایی هست. دکتر «رباب عبدالهادی»، استاد دانشگاه و پژوهشگر ارشد مطالعات قومی در دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو که سابقه مدیریت مراکز مختلف علمی را نیز برعهده داشته، باور دارد که اسرائیلی‌ها برای توجیه سرکوبگری خود از تشبیه‌سازی تاریخی خود به داوود و فلسطینیان به جالوت استفاده می‌کنند. این فعال حقوق زنان و چهره برجستهٔ آکادمیک که یکی از حامیان جنبش تحریم رژیم اسرائیل است، در گفت‌وگو با «شرق» از اهداف و اقدامات آن جنبش گفته که در سال‌های اخیر موجب نگرانی مقام‌های اسرائیلی شده است.

۴ برخی معتقدند جنبش تحریم اسرائیل (BDS) مانعی بر سر راه صلح میان فلسطینیان و اسرائیل است، نظر شما در این‌باره چیست؟
برخلاف این نظر، باید بگویم جنبش تحریم اسرائیل یک نهاد میانه‌رو است که وظیفه خود را پاسخ‌گوکردن رژیم اسرائیل در مقابل حقوق بین‌الملل و معیارهای حقوق‌ بشری می‌داند. ما باید به یاد داشته باشیم این رژیم اسرائیل بود که مانعی بر سر راه صلح در منطقه بود و هر اصل پیمان اسلو را نقض کرده و به‌طور مداوم به ساخت‌وساز شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های فلسطینی ادامه می‌دهد، به خانه فلسطینیان حمله کرده و هزاران فلسطینی از جمله صدها کودک را بازداشت می‌کند و آنان را شکنجه و مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد.

با کمک عظیم ۱۰میلیون‌دلاری آمریکا به‌طور سالانه به رژیم اسرائیل از طریق استفاده از حق وتو در شورای امنیت، رژیم اسرائیل از رعایت‌کردن و احترام‌گذاشتن به حقوق بین‌الملل سر باز می‌زند. در نتیجه، حامیان فلسطین بر این باورند که تنها راه برای پاسخ‌گوکردن رژیم اسرائیل جنبش تحریم و عدم سرمایه‌گذاری در سرزمین‌های اشغالی است.

برخی جنبش تحریم رژیم اسرائیل را به یهودستیزی متهم می‌کنند، نظر شما در این‌باره چیست و رویکرد این جنبش نسبت به رژیم اسرائیل و یهودیت چیست؟

این یک دروغ بزرگ است که گفته می‌شود جنبش اسرائیل یهودستیز است. درواقع، این ادعا که یهودیت، رژیم اسرائیل و صهیونیسم یکی هستند همان جوهره اصلی یهودستیزی است. جنبش تحریم رژیم اسرائیل بسیاری از یهودیان ضدصهیونیست را در خود جای داده است؛ کسانی که می‌خواهند نشان دهند که تمام یهودیان همانند رژیم اسرائیل و وامبداران آن فکر نمی‌کنند. آنان از رژیم اسرائیل و سیاست‌های استعماری آن رژیم و اقدامات سرکوبگرانه‌اش علیه فلسطینیان قاصله می‌گیرند. این خواهران و برادران یهودی ضدصهیونیست در جبهه مقابله با یهودستیزی قرار دارند و نشان می‌دهند که تمام یهودیان همانند یکدیگر عمل نمی‌کنند و به یک‌گونه نمی‌اندیشند.

در نتیجه، زمانی که از فلسطینیان پرسیده می‌شود آیا مشروعیت رژیم اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند یا نه، آنان حق دارند این سؤال را بپرسند که رژیم اسرائیل به چه ماهیت جغرافیایی‌ای اطلاق می‌شود؟ به کدام مرزها و کدام تعریف؟ هیچ‌کس از جنبش‌های ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی و دیگر کشورها نپرسید که آیا رژیم آپارتاید را به رسمیت می‌شناسند یا نه.

راه‌حل از نظر من استعمارزدایی فلسطین و مقابله با انحصارگرایی صهیونیسم است. جایگزین آن است که یک دولت شناخته‌شکل از مردمان تمام مذاهب تشکیل شود تا بتواند با یکدیگر با همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام و حقوق متقابل زندگی کنند. این حق فلسطینیان است که رها از یوغ استعمار و خضوت باشند؛ حقی که از سوی اسرائیلی‌ها انکار می‌شود.

۴ جنبش تحریم رژیم اسرائیل، حامی انتفاضه است؟ آیا رویکرد این جنبش در قبال حوادث اخیر به‌خصوص جاقوکی‌های روی‌داده در اراضی اشغالی مثبت است؟

موج اخیر حملات انفرادی فلسطینیان علیه اشغالگری نظامی اسرائیلی نیز ارتباطی با این جنبش ندارد. بااین‌حال، این شیوه‌ها بیان مقاومت فلسطینیان علیه استعمارگری اسرائیلی و اشغالگری هستند و به‌طور خاص علت اصلی آن ادامه اشغالگری در کرانه باختری، محاصره غزه و تعمیق بدترشدن و گرسنگی فلسطینیان و نبود درآمد کافی بر اثر برنامه‌های یهودی‌سازی در بیت‌المقدس است. شکل دیگری از مقاومت نیز از جمله مقاومت فرهنگی و اقتصادی وجود دارند که به‌ندرت مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مهم نیست که مبارزه فلسطینیان در چه شکلی باشد، پاسخ اسرائیل همواره همراه با خشونت بوده است.

۴ ارزیابی شما از دامنه و سطح تأثیر جنبش تحریم رژیم اسرائیل چیست، برخی گزارش‌ها اشاره می‌کنند که این کارزار تأثیر چندانی بر اقتصاد رژیم اسرائیل نگذاشته است.

کارزار تحریم رژیم اسرائیل در این راستا موفق بوده است. ما هرروز می‌توانیم ببینیم که صادرات‌های اسرائیلی‌ها و لای‌های آنان از جمله آپیک و سازمان‌های غیررسمی بیش از پیش اثبات و به فعالان جنبش عدالت برای فلسطین حمله می‌شود.

شما از فایننشال‌تایمز گزارشی را ذکر کردید که از مبارزه فلسطینیان برای حق تعیین سرنوشت دفاع نمی‌کند؛ پس این موضوع نشان می‌دهد که تأثیر جنبش تحریم رژیم اسرائیل تا چه اندازه زیاد بوده است. تأثیر بر رژیم اسرائیل در عمل عمیق‌تر از صرف حمایت چهره‌ها و شخصیت‌ها بوده است. رژیم اسرائیل خود را در برابر کارزار گسترده مقاومت فلسطینیان می‌بیند و سعی دارد تا از خویش چهره داوود را بسازد که برای بقایش در برابر جالوت که همانا از دید آنان میلیون‌ها عرب باشند در حال نبرد است.

اکنون برای همگان روشن‌تر شده که حتی برای آثانی که از حقوق فلسطینیان در برابر رژیم اسرائیل با چهارمین ارتش بزرگ دنیا حمایت نمی‌کنند و فناوری‌های نظامی و امنیتی و اختیار آتسان قرار می‌دهند رژیم و رژیم اسرائیل داوود نیست و فلسطینیان نیز جالوت نیستند. فراتر از آن رژیم اسرائیل در حال هزینه‌دادن در جنگی است که هدف آن منقرض‌کردن نسل فلسطینیان است.

۴ ارزیابی شما درباره تحریم کلای شهرک‌نشین‌های رژیم اسرائیل از سوی اتحادیه اروپا چیست؟
اتحادیه اروپا باید طبق ادعای خود در دفاع از حقوق بشر عمل کند و به خواست جنبش‌های مردمی از جمله جنبش تحریم رژیم اسرائیل برای حمایت از قوانین و حقوق بین‌الملل توجه لازم را داشته باشد.

۴ آیا جنبش تحریم رژیم اسرائیل ارتباطی با کشورهایی خاص به‌طور مثال روسیه یا کشورهای عربی دارد؟
به‌عنوان یک پژوهشگر هنج‌گه ارتباطی با روسیه و دولت‌های عربی ندارم. اما باوجوداین، می‌توانم بگویم نه روسیه و نه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، رابطه خود با جنبش تحریم رژیم اسرائیل ندارند و هر دو نیازمند اتخاذ موضعی اصولی‌تر و قاطع‌تر در حمایت از مبارزه فلسطینیان برای تعیین

حق سرنوشت و توجه به خواست جامعه مدنی فلسطین هستند.

۴ دزموند توتو، استفان هاوکنیک و بسیاری از افراد مشهور دیگر از کارزار تحریم رژیم اسرائیل حمایت کرده‌اند؟ شما تا چه اندازه در جذب دانشگاهیان و افراد معروف دیگر موفق بوده‌اید؟

جذب افرادی چون اسقف توتو و استفان هاوکنیک و دیگران برای پشتیبانی از جنبش عدالت برای فلسطین، بخشی جدایی‌ناپذیر از اصلی است که من از آن با عنوان «جدایی‌ناپذیری عدالت» یاد کرده‌ام. اظهارات مارتین لوترکنیک الهام‌بخش من است که گفته بود بی‌عدالتی در هر نقطه‌ای از جهان تهدیدی برای عدالت در همه جای جهان است. این اصل نقطه محوری، اصلی و کلیدی در مبارزه برای عدالت در فلسطین و سایر مبارزات عدالت‌خواهانه است. من شدیداً با این استدلال مخالف هستم که فلسطین صرفاً یک مسئله عربی با اسلامی است. واقعیت آن است که فراتر از منافع خاص گروه‌ها مسئله فلسطین مربوط به تمام بشریت است و نباید نادیده گرفته شود.

جنبش تحریم رژیم اسرائیل برای تحریم فرهنگی و دانشگاهی در درون مراکز علمی و پژوهشی از جمله در مراکز علمی آمریکا جهش کیفی درخورتوجهی داشته است. درواقع، من باور دارم جنبش تحریم رژیم اسرائیل از دو رای در خورتوجه برخوردار است؛ یکی در انجمن انسان‌شناسی آمریکا و دیگری در انجمن مطالعات ملی زنان آمریکا علاوه بر آن موفقیت‌های دیگری نیز درباره انجمن برای مطالعات آسیایی آمریکایی ازجمله انجمن مطالعات آمریکایی و انجمن مطالعات بومیان آمریکایی کسب شده و هزار و ۳۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان اتحادیه دانشجویان در تمام دانشگاه‌های کالیفرنیا از جنبش حمایت کرده‌اند و به نفع آن رای داده‌اند.

۴ چاسکی گفته است چرا جنبش تحریم رژیم اسرائیل خواستار اعمال تحریم‌های مشابه علیه آمریکا به‌عنوان یکی از حامیان اصلی رژیم اسرائیل و شریک جرم آن رژیم نشده است، نظر شما در این‌باره چیست؟
به نظرم این اظهارات بسیار دردسرساز هستند. من برای کسانی که به نوام چامسکی مشاوره می‌دهند و هدفشان تضعیف جنبش برای عدالت فلسطین است متأسف هستم. آنان استدلال‌هایی را مشابه استدلال‌های مدافعان صهیونیست‌ها مطرح می‌کنند. از روشنفکر شناخته‌شده و نافذوی چون چامسکی که در مبارزات مردمی از وینتتا تا آمریکای مرکزی و آفریقای جنوبی همواره در کنار مردم بوده انتظار می‌رود از جامعه مدنی فلسطین حمایت کند. مخالفت با جنبش تحریم رژیم اسرائیل فقط به نفع رژیم اشغالگر اسرئیل خواهد بود و سبب می‌شود تا آن رژیم از پاسخ‌گویی به جامعه بین‌المللی طفره رود.



به‌عنوان یک پژوهشگر هیچ‌گونه ارتباطی با روسیه و دولت‌های عربی ندارم. اما باوجوداین، می‌توانم بگویم نه روسیه و نه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، رابطه خوبی با جنبش تحریم رژیم اسرائیل ندارند و هر دو نیازمند اتخاذ موضعی اصولی‌تر و قاطع‌تر در حمایت از مبارزه فلسطینیان برای تعیین حق سرنوشت و توجه به خواست جامعه مدنی فلسطین هستند



از نظر تاریخی مداخلات نظامی آمریکا در سرتاسر جهان در ایران، کوبا، لبنان، ویتنام، گواتمالا، جمهوری دومینیک، کنگو، یاناما، گرانادا، عراق، افغانستان و یمن دیده شده است. جنبش‌های آمریکایی از جمله جنبش حقوق مدنی و جنبش‌های زیست‌محیطی در همین نقش داشته‌اند.

در سطح دیگر ادعای اینکه جنبش تحریم رژیم اسرائیل نماینده مردم فلسطین نیست در اساس نادرست است. هرکسی که با تاریخ و مبارزه فلسطین آشناس‌ت نمی‌تواند از ایده تحریم و اعتصاب و خودداری از برقراری روابط حسنه با ساختارهای استعماری اسرائیل طفره ببرد. این رویدادی است که در انقلاب سال ۱۹۳۶-۳۹ علیه هر دو قدرت استعماری بریتانیا و صهیونیست‌ها روی داد که یکی از بزرگ‌ترین اعتراضات کارگری در تاریخ بود. اگر چامسکی واقعا مردم فلسطین را با تشکیلات خودگردان فلسطین برابر فرض کرده، مرتکب اشتباهی واقعا جدی شده است چراکه تشکیلات خودگردان فلسطین به‌طور واقعی و در عمل از اکثریت فلسطینیان حمایت نمی‌کند. تمام نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که تشکیلات خودگردان فلسطین تا این حد و به اندازه امروز با کاهش حمایت عمومی در میان فلسطینیان مواجه نبوده است. کاهش حمایت عمومی از این تشکیلات از زمان پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ میلادی تاکنون بی‌سابقه بوده است. بخشی از این مخالفت به دلیل موضع تشکیلات و شخص محمود عباس در عدم حمایت از مقاومت فلسطینیان علیه اشغالگری اسرائیل از جمله عدم حمایت از جنبش تحریم اسرائیل بوده است.

۴ یکی از مشاوران محمود عباس گفته بود رژیم اسرائیل همسایه آنان است و آنها نباید کالاهای اسرائیلی را تحریم کنند یا اقدامات مشابهی را در دستور کار قرار دهند. نظر شما درباره این دیدگاه چیست؟

مواضع من و جنبش تحریم رژیم اسرائیل به‌هیچ‌وجه رادیکال نیست. این موضعی است که از سوی اکثریت فلسطینیان مورد حمایت قرار گرفته است. من با معاهده اسلو در زمان مذاکرات مخفی مخالفت کردم. همچنین پس از آنکه از سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی به این‌سو به‌طور علنی آشکار شد، من خواستار تفکیک میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان یک جنبش رهایی‌بخش و تشکیلات خودگردان فلسطین به‌عنوان محصول پیمان اسلو شدم. اکنون دربارۀ موضع گروه‌های سیاسی فلسطینی در قبال جنبش تحریم رژیم اسرائیل باید

جهان

راه‌حل سیاسی

یادداشت

ترکیه و بازگشت به راه‌حل سیاسی

افشین غلامی، در چندماه گذشته شهرهای ترکیه صحنه درگیری و ناآرامی‌هایی بوده که پس از نتایج دور اول انتخابات پارلمانی ترکیه به وقوع پیوست و موجب پیروزی بلامنازع حزب اسلام‌گرای «عدالت و توسعه» به رهبری «احمد داووداوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه، در این کشور شد. آنچه در این مدت مشاهده می‌شود، گسست سیاسی و خروج از دایره عقلانیت سازش از سوی گروه‌های عمده درگیر در این ماجراست که نتوانسته‌اند با رجوع به تفاهم سیاسی به کشش معطوف به مصالح ملی کشور خود دست پیدا کنند. از سویی، راهبردهای استراتژیک «رجب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه و ماجراجویی‌هایش در منطقه و از طرف دیگر، سربرآوردن نیروی سیاسی و اجتماعی تازه و هویت‌خواه و آزادی‌گرایی چون حزب «دموکراتیک خلق‌ها» که آلترناتیوی در برابر حاکمیت تک‌قطبی و راست‌گرای این کشور است دو براینده ناهمگون فکری و سیاسی را در صحنه سیاسی ترکیه به میدان آورده که زبان سیاسی متفاوتی در بیان مسائل ترکیه نوین دارند. نگاه کلان عدالت و توسعه، عدول از مرزها و کشورگشایی و فرهنگ‌گشایی است و نگاه دموکراتیک خلق‌ها به‌کارگیری نیروهای متضاد عملی و فکری در سامانه قدرت است. حال این تفاوت‌های بینشی که به مباحث خارج از ساختار سرزمینی ترکیه نیز پیوند خورده، عمق معادلات سیاسی و تضاد منافع دو طرف را وارد جنگ شهری کرده است. ازاین‌رو نگاه ایدئولوژیک و شدت عوامل درون و برون‌سرزمینی راه را ر عملی‌شدن این عرصه، یعنی آشتی ملی در ترکیه تنگ کرده و بازیگران این مناقشه را صدق کرده بود. پیمان اسلو سبب تشدید وابستگی شد و توازن قوا را به‌نفع رژیم اسرائیل تغییر داد و باعث فلج‌شدن بخشی از زیربناهای اقتصادی فلسطین شد. با وجود تمام تلاش‌های صورت‌گرفته استعماری برای خفه‌کردن اقتصاد فلسطین، فلسطینی‌ها راه‌های خلاقانه‌ای را برای مقاومت در برابر فشارها پیدا کرده‌اند. اشکال دیگری از مقاومت نیز به‌ندرت گفته شده‌اند. این مقاومت اقتصادی همکاری در نواحی مختلف روستایی و وجود یک صنعت داروسازی را شامل می‌شود که اسرائیل در حال نابودکردن آن را دنبال کرده است. این در حالی است که از سال ۲۰۰۰ میلادی به این‌سو مردم غزه در محاصره بوده‌اند. مدافعان اسرائیل استدلال می‌کنند که جنبش تحریم رژیم اسرائیل به فلسطینی‌ها آسیب می‌زند. این در حالی‌است که مقصر اصلی در این میان اسرائیل است و مدافعان آن رژیم با طرح این استدلال خواستار سرزنش قربانیان و مقصر نشان‌دادن آنان هستند.

اتحادیه‌های تجاری فلسطینی و گرایش‌های سیاسی مختلف فلسطینی به‌شدت مخالف استراتژی ضدمقاومت و نژادپرستانه اسرائیلی‌ها هستند و درعوض بر لزوم پیوستن به جنبش تحریم رژیم اسرائیل تأکید دارند. ما پیش‌تر نیز ادعای مشابهی را از توجیه‌کنندگان آپارتاید می‌شنیدیم.

۴ به‌تازگی هیلاری کلینتون در مقاله‌ای در نشریه به‌سودی-آمریکایی «فوروارد» اشاره کرد که به رژیم اسرائیل تعهد می‌دارد در صورت پیروزی در انتخابات در مجامع بین‌المللی علیه جنبش تحریم فلسطین سخن خواهد گفت، نظر شما در مورد موضع او در قبال مسئله فلسطین چیست؟

«هیلاری کلینتون» از برنامه‌های تئولیرالی و افزایش حضور نظامی آمریکا و حمایت نامحدود از رژیم اسرائیل پشتیبانی می‌کند. او در اساس حامی لابی رژیم اسرائیل است. من همیشه او را سیاست‌مداری ریاکار و فاقد اعتبار، شفافیت و صداقت یافته‌ام. با توجه به اینکه نامزدهای احتمالی سال ۲۰۱۶ میلادی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا از جناح راست افراطی نژادپرست با شعارهای اسلام‌هراسی هستند و نماینده آنها «دونالد ترامپ» است تا «برنی سندرز» سوسیال‌دموکرات قهپونیست، متأسفانه انتخاب‌های زیادی برای فلسطینیان برای مقابله با اعراب مسلمانان نیز وجود ندارد. ما به احتمال زیاد شاهد نژادپرستی و اسلام‌هراسی بیشتر در سیاست خارجی آمریکا خواهیم بود و خصومت نسبت به اعراب و مسلمانان افزایش می‌یابد. بااین‌حال، ما هرگز به نامزدی سیاسی وابستگی نداریم و خود را آلوده فساد حمایت از آنان نمی‌کنیم. همبستگی با جنبش فلسطین به‌طور خاص از سوی نیروهای زیادی بوده است درنتیجه ما برنامه‌های ما را به جنبش ادامه نبد و باور داریم که ما پیروزی‌های بیشتری را در تغییر افکار عمومی درباره مسئله فلسطین ازجمله در میان یهودیان آمریکایی و به‌طور خاص جوانان به‌دست می‌آوریم.

۴ نقش زنان در انتفاضه اخیر در فلسطین چیست؟
زنان فلسطینی نقش برجسته‌ای را در انتفاضه اخیر ایفا کردند؛ آنان در سرتاسر مبارزات مردم فلسطینی ایفاگر نقشی مهم برای تعیین حق سرنوشت بوده‌اند. زنان فلسطینی نقش مهمی را در رهبری سازمان‌های سیاسی فلسطینی در انتخابات اخیر شورای قانون‌گذاری فلسطینی ایفا کردند، جایی که سهمیه‌ای برای نمایندگان زن در نظر گرفته شده بود و این موضوع با دقت بالا از سوی کمیته مرکزی انتخابات رعایت شد. اکنون میزان مشارکت نمایندگان زن از تمام گروه‌های سیاسی فلسطینی در بدنه شورای قانون‌گذاری حتی از مشارکت زنان در کنگره آمریکا نیز بیشتر است. اخیراً، ما شاهد مقاومت شگفت‌انگیز گروه «رابطات» در جنبش ادامه نبد و نهادی متشکل از زنان فلسطینی است که از مسجداالقصی در برابر ارتش و پلیس مهاجم اسرائیلی دفاع به عمل آورد. برخی از این زنان به جنبش اسلامی با رهبری شیخ «راند صلاح» وابسته هستند و برخی دیگر به جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس و سایر گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی و برخی نیز صرفاً فعالان زن مستقل هستند. ما می‌بینیم که دختران جوان فلسطینی به دست سربازان اسرائیلی شهید می‌شوند. ما می‌بینیم که زنان فلسطینی از جمله «خالده جزار» عضو شورای قانون‌گذاری فلسطینی از جبهه مردمی آزادی فلسطین بازداشت می‌شوند. او همچنین بنیان‌گذار گروه «الضمیر» بود که نهادی برای حمایت از زندانیان فلسطینی است. از نظر تاریخی، ما می‌توانیم به زنان فلسطینی‌ای اشاره کنیم که فعالیت‌های نظامی علیه رژیم اسرائیل انجام می‌دادند. آنان بازداشت و شکنجه شدند و در زندان‌های رژیم اسرائیل، احکام زندان بیش از ۱۰ سال برایشان صادر شد. گروهی از آنان نیز چون «دللا مغربی» یکسۀ از فرماندهان فتح در اواخر دوران نخست‌وزیری «یهود باراک» به شهادت رسید.

نگاه

آرزوهای برپادرفته

عبدالله دمیرباش ، شهردار پیشین شهر سور

تمامی شهرها و مناطق در محاصره هستند. تانک‌ها از میان کوچه‌های تنگ بسته‌شده با سنگ‌رها و خندق‌ها به پیش می‌رانند. ساکنان هفته‌هاست به دلیل مقررات حکومت‌نظامی در خانه‌ها مانده‌اند. کسانی‌که پذیرای خطر بیرون‌رفتن از خانه هستند در معرض آتش تک‌تیراندازان قرار گرفته، اجسادشان برای چندین‌روز در خیابان‌ها باقی می‌ماند. ساختمان‌ها زیر آتش گلوله‌باران بر سر کسانی که درصدد یافتن پناهگاهی در خانه‌هایشان هستند فرومی‌ریزند. اینجا سوریه نیست. ترکیه است؛ کشور نامزد ورود به اتحادیه اروپا که به‌یکباره به‌عنوان قهرمان بهار عربی مورد ستایش قرار گرفت. یکی از مناطقی که شدیداً تحت‌تأثیر این درگیری‌ها قرار گرفته است منطقه باستانی «سور» دیاربکر است که من به مدت ۶ سال، از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ شهردار آن بودم. از آغاز درگیری‌ها در ماه دسامبر، «سور» تحت محاصره ۲۴ساعته بوده است. بسیاری از محلات آن اکنون در زیر تلی از آوار و خرابی‌ها مانده است. ساختمان‌های تاریخی آن آسیب دیده، فروشگاه‌ها به‌یکباره تعطیل، بیمارستان‌ها بدون کادر درمانی و مدارس تعطیل شده‌اند. ده‌ها هزارنفر از ساکنان این منطقه فرار کرده‌اند.

دیوار «سور» که محوطه باستانی این شهر را طی هزاران سال احاطه کرده است، خیابان‌های تنگ و باریک آن، محوطه‌های فراخ و سازه‌های سنگی زیبای آن یادآور میراث چندفرهنگی یرغناپی است؛ میراثی که جان سالم به‌در برده است؛ البته در کشوری توسعه‌نیافته با یک قرن جنگ و درگیری، اجتماعات کوچک ارمنی، آسوری، ایزدی، کلدانی و دیگر اقلیت‌ها که حضورشان در این شهر به‌طور فرآیندهای قابل‌رویت است در کنار بیرون تفاسیر گوناگون از اسلام در شهری زندگی می‌کنند که اکنون یک شهر سنی‌نشین کردستان است. در طول دهه گذشته شهرداری ما برای احیا و حفظ این میراث سخت تلاش کرده است. ما بر بازسازی بسیاری از ابنیه تاریخی از جمله مساجد و کلیساها نظارت داشتیم. بعد از قریب به یک قرن کلیسای «سورپ جورج‌جاس» بازسازی شد. این کلیسا که اکنون بزرگ‌ترین کلیسای ارمنی در خاورمیانه است، بازماندگان ژنوساید سال ۱۹۱۵ را تشویق کرد تا دوباره آن را کشف کنند و میراث خود را در آغوش بگیرند. تلاش‌ها برای تعمیر و بازگرداندن کتیسه قدیمی به خاطر «سور» بار دیگر جامعه یهودیان این شهر را قبل از فوران خشونت‌های تابستان گذشته به شور و شوق واداشت.

در سال ۲۰۱۲ رهبران جامعه «سور» به تأسیس گروه گفت‌وگو بین نمایندگان ادیان مختلف منطقه، فرهنگ‌ها و گروه‌های جامعه مدنی دست زدند. این شورا که با نام «شورای ۲۰نفری» شناخته می‌شود، نقش مهمی را در ممانعت از رسیدن خشونت فراق‌های به شهر ما ایفا کرده است. به یمن این تلاش‌ها، شهر «سور» به نمادی از همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه‌ای تبدیل شده است که دست‌خوش عدم تساهل و رواداری است. دیدن این امر که تکثرگرایی موجود در این شهر همراه با فروریختن ابنیه آن در حال فروپاشی است مایه غم و اندوه من است. فرقه‌گرایی در کنار چشمان ما در حال تباهی سوریه است. برای ممانعت از چنین تقدیری در ترکیه، «شورای ۲۰ نفره» از دولت



ترکیه خواست تا منع رفت‌وآمد را لغو و از تمامی طرفین خواست تا در راستای پایان‌بخشیدن به خصومت‌ها و بازگشت به مذاکرات صلح در چارچوب دموکراسی پارلمانی گام بردارند. رئیس‌جمهور اردوغان اخیراً اظهار کرده است که عملیات‌های نظامی در شهرهای محاصره‌شده گردنشین از زمانی‌که از وجود تروریست‌ها پاک شوند باید ادامه یابد. او تهدید کرده است که شما باید آن خانه‌ها، ساختمان‌ها و خندق‌هایی را که حفر کرده‌اید نابود کنید. اما چه صلحی می‌تواند از طریق تخریب ساخته شود؟ دهه‌ها سیاست‌های نظامی علیه کردها نشان داده است که خشونت فقط خشونت بیشتر را تولید می‌کند.

بسیاری از ساکنان این شهر از خانواده‌های فقیری هستند که در دهه ۱۹۹۰ با باوج‌رسیدن درگیری‌ها بین کردها و دولت ترکیه در دهه ۱۹۹۰ مجبور به فرار از نواحی روستایی شده‌اند. کسانی که در شهر «سور» و دیگر شهرهای جنوب‌شرقی ترکیه به حفر خندق پرداخته و اعلام خود-مدیریتی دموکراتیک کرده‌اند، امروزه عمداً جوانان ۲۰ساله‌ای هستند که در آن درون پیشین خشونت، فقر و جابه‌جایی اجباری متولد شده و درگروه‌های رادیکال‌شده رشد کرده‌اند. اکنون نسل جدید با این ترومای کشتار، تخریب و مهاجرت اجباری رشد می‌کند. به کجا می‌روند؟ چه خواهند شد؟ و چگونه نسل خشمگینی از کردها در ترک‌ها یک زمینه مشترک خواهند یافت؟ حقیقت این است که نسل من ممکن است آخرین نسلی باشد که برای دستیابی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز از طریق گفت‌وگو اقدام می‌کند. گفت‌وگو زمانی ممکن است که افراد موجود در رأس قدرت خواهان آن باشند. بهار گذشته، دو طرف متعاقب دوسال‌ونیم مذاکره در آستانه دستیابی به موفقیت بودند. کردها با قبول یک انتخاب واقع‌بینانه و منصفانه به‌کرات سیاست خشونت را رد کرده و همزیستی در یک ترکیه دموکراتیک را که حقوق و هویتشان را به رسمیت شناخته باشد بر جدایی ارجح دانسته‌اند. اما همچنان که روند تخریب به پیش می‌رود، باورشان بر یک راه‌حل سیاسی فرومی‌ریزد. در سال ۲۰۰۷ منطقه «سور» نخستین شهرداری در ترکیه بود که به زبان‌های محلی و از جمله کردی، ارمنی و آسوری- به‌عغیر از زبان رسمی ترکی- به ارائه خدمات پرداخت؛ این اقدام خشم مقامات ترکیه را در آنکارا برانگیخت و باعث شد تا من از مقام شهرداری برکنار شوم. در سال ۲۰۰۹ چندماه بعد از انتخاب مجدد من با دوسوم آرا به اتهام تجزیه‌طلبی دستگیر شدم. زمانی‌که همراه با صدهانفر از فعالان کرد و سیاستمداران منتخب کردهایی‌ای را سازمان دادیم، پسر نوجوانم با ترک خانه و پیوستن به صفوف حزب کارگران کردستان، به من گفت با این سیاست‌ها گفت‌وگو‌ها وقت را تلف می‌کنند. من تلاش می‌کنم به او ثابت کنم که در اشتباه بوده و او را به خانه بازگردانم. باوجود یاس، اما هیچ‌گاه امید را از دست نداده‌ام و برای بقای امید مبارزه می‌کنم.

ترجمه: آزاد حاجی‌آقایی